

دوفصلنامه علمی — ترویجی مطالعات فقه امامیه بر اساس نامه شماره ۱۳۶۳۳ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی شورای عالی حوزه‌های علمیه مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۹ از شماره دوم حایز رتبه علمی - ترویجی گردیده است.

ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی*

چکیده

یکی از مسائل مهم فقهی و حقوقی، بحث استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی است. پژوهش حاضر در پی اثبات ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه مذاهب فقهی اسلام است. منظور از سلاح‌های کشتار جمعی سلاح‌هایی است که می‌تواند تعداد زیادی از انسان‌ها و یا هر موجود زنده‌ای را بکشد و یا زخمی کند و یا موجب وارد کردن خسارات عظیم و لطمه به حیات بشر شود. در این پژوهش، استدلال به برخی آیات و روایات و از دیدگاه عقل نتیجه گرفته شده که حتی در اسلام فروش سلاح مخرب به دو دسته از کفار که با هم نزاع دارند، نهی گردیده است.

فقه‌های عظام از قدما و متأخرین که قائل به حرمت استفاده از هر نوع سلاح کشتار جمعی هستند و اسلام هیچ‌گاه اجازه مقابله به مثل را در مورد کفار و دشمنان نمی‌دهد.

کلیدواژه‌ها: سلاح‌های کشتار جمعی، فقه اسلامی، ممنوعیت و حرمت، مقابله به مثل.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱۰/۱۸؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۱۲/۲۰.

** استادیار دانشکده حقوق دانشگاه قم (r.akrami@qom.۹۳۰.ir).

*** دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضائی و مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول) (sattar۱۳۶۲@yahoo.com).

**** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و طلبه خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول) (abdi.mahdi۸۳۱@gmail.com).

مقدمه

هدف از این مقاله بیان دیدگاه مذاهب فقهی اسلام در مورد ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی است که در قالب پاسخ به پرسش‌هایی که در ذیل می‌آید عینیت می‌یابد، پاسخ‌گویی به این مسئله به خصوص در شرایط فعلی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که با توجه به تولید روزافزون این سلاح‌ها بیش از هر زمانی دیگر مورد ابتلای جوامع است. این پرسش‌ها عبارت‌اند از:

۱. نظر فقها درباره استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در جنگ چیست؟

۲. دلایل ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی چیست؟

قبل از ورود به پاسخ‌گویی راجع به نظر ممنوعیت استفاده از این سلاح‌ها و بیان دلایل قرآنی، روایی و عقلی آن باید مفهوم‌شناسی و تاریخچه این سلاح‌ها بیان شود. با توجه به اینکه استخراج حکم در نظام حقوقی اسلام، نیازمند روش‌شناسی است و مبنای روش‌شناسی نظام حقوقی اسلام، دستیابی به اراده شارع است، لذا در این مقاله به موضوع‌شناسی و سپس حکم‌شناسی از دید فقها پرداخته شده و در هر دو حوزه لازم است مطالعات صورت گرفته در مبنای به کارگیری این دسته سلاح‌ها که عمدتاً اخلاقی است مورد توجه قرار گیرد.

تعریف سلاح کشتار جمعی (masiv destruction weapons)

سلاح کشتار جمعی تاکنون در حقوق قراردادی تعریف نشده است، اما همان‌طور که از اسمش پیداست خاصیت این نوع سلاح‌ها آسیب به گروه بزرگی از مردم در یک زمان یا دوره زمانی کوتاه است. لذا طبق سند جهانی و شماره ۲ پروتکل سوم توافقات پاریس در سال ۱۹۵۴: «منظور از این سلاح‌ها، سلاح‌هایی است که می‌تواند تعداد زیادی از انسان‌ها و یا هر موجود زنده‌ای را بکشد و زخمی سازد یا خسارات عظیم به ساخته‌های دست بشر و لطمه به حیات بشر بزند».

به نظر می‌رسد سلاح کشتار جمعی به جنگ‌افزاری گفته می‌شود که می‌تواند شمار بسیار زیادی انسان را بکشد و خسارت فراوانی به سازه‌های ساخت بشر یا محیط زیست وارد آورد، نه اینکه طبق برخی تعریف‌ها این کشتار را تنها شامل انسان‌ها و یا فقط شامل کشتار بیش از چهار نفر (طبق تعریف F.B.I) بدانیم که ممکن است در همه جنگ‌ها و درگیری‌ها رخ دهد.

الف. مبانی ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی

مبانی حرمت و ممنوعیت سلاح‌های غیر متعارف بر اساس اصول مختلفی است، اما آنچه بیشتر برای ما مهم و محل بحث بوده اصولی است که ریشه قرآنی و روایی دارد. مهم‌ترین این اصول عبارت‌اند از:

منع مثله کردن کشته‌های دشمن (حلی، ۱۴۰۳: ۱۱۳)، منع نقض عهد و پیمان‌های جنگی مورد تأیید بین‌الملل و اسلام، منع کندن و سوزاندن درختان و خانه‌ها، منع کشتن کودکان، زنان (طوسی، همان: ۶، ۱۳۸؛ کلینی، الکافی ۱۴۰۷: ۵، ۲۹)، آب بستن بر روی دشمن جهت غرق کردن آن‌ها، نهی از کشتن کسانی که اجیر شده‌اند یا به اجبار در جنگ شرکت کرده‌اند (همان).

پس هر یک از این اصول که برگرفته از آیات و روایات و سیره عملی رسول اکرم^ص و ائمه^ع در میدان جنگ است، می‌تواند در جهت تبیین مبانی فقهی حرمت ابزار جنگی غیر متعارف مورد استدلال قرار گیرد.

ب. حرمت مسموم کردن مناطق مسکونی و ادله آن

واضح است در عصر رسول خدا^ص و ائمه^ع از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی خبری نبوده تا موضع آنان در برابر آن‌ها مشخص شود، لیکن نمونه‌های کوچک‌تری در آن زمان بوده است که از جهات مختلف مشابه سلاح‌های غیر متعارف عصر حاضر است. لذا می‌توان حکم آن‌ها را به سلاح‌های غیر متعارف عصر حاضر تعمیم داد. از جمله مسموم کردن مناطق، آتش زدن درختان، آب بستن بر روی دشمن جهت غرق کردن آن‌ها و... (طوسی، همان: ۱۳۸/۶؛ کلینی، همان: ۵، ۲۹؛ حر عاملی، وسائل الشیعه ۱۴۰۹: ۵۸/۱۵).

رسول خدا^ص و ائمه^ع به نوعی در مقابل هر یک از این‌ها موضع گرفته‌اند و استفاده از این قبیل سلاح‌ها را در آن عصر منع کرده‌اند. از آنجا که مسموم کردن مناطق مسکونی مشابهت بیشتری با سلاح‌های غیر متعارف دارد، بیشترین بحث را به آن اختصاص می‌دهیم (مجلسی، بحار الانوار: ۱۷۷/۱۹).

صورت مسئله در فقه ما به این شکل است: آیا القای سم در جهاد علیه کفار به عنوان از بین بردن آن‌ها جایز است یا خیر؟ زیرا انواع و اقسامی از ابزارهایی که ممکن است در جنگ مورد استفاده قرار بگیرد، مورد توجه فقها قرار گرفته است. مثلاً تخریب خانه‌ها به وسیله منجنیق، سوزاندن و زیر آب بردن و القای سم. ریشه این مسئله به یک روایت برمی‌گردد و آن القای سم در بلاد مشرکین است. امروزه نیز استفاده از سلاح‌های شیمیایی همان تأثیر استفاده از سم را دارد. هر دو از طریق میکروب یا اشیای آلوده‌ای که به بدن انسان می‌رسد یا هوایی که استنشاق می‌کند اثر دارد.

روایات

روایتی در متون دینی از رسول خدا^ص وارد شده است که بر حرمت مسموم کردن محل سکونت دشمن دلالت دارد: «عن سکونی، عن جعفر عن ابیه عن علی^ع، ان النبی^ص نهی ان یلقی السم فی بلاد المشرکین (حر عاملی، همان: ۱۵، ۶۲)؛ رسول خدا^ص از سم پاشیدن در مناطق مشرکان نهی کرده است».

بحث سنّی: سند روایت معتبر است: «علی بن ابراهیم عن ابیه (که ابراهیم بن هاشم باشد) عن النوفلی عن السکونی». برخی از روایات آن مثل سکونی عامی هستند، اما توثیق شده‌اند و اصحاب معمولاً به روایات سکونی عمل می‌کنند و معمولاً هم روایت سکونی از نوفلی نقل شده است. و نیز روایت یک سند شایع در کتاب کافی است و غالباً مورد اعتماد فقهاست و فقها بر اساس این سند در ابواب مختلف فقه فتوا می‌دهند (کلینی، همان: ۲۸/۵).

بحث دلّالی: نهی در این روایات هرچند در مورد سم وارد شده است، ملاک نهی اختصاص به سم ندارد، بلکه شامل هرگونه سلاح‌های کشتار جمعی می‌شود، زیرا فرقی میان مسموم کردن آب و یا هوا و یا زمین با استفاده از دیگر سلاح‌های غیر متعارف نیست، بلکه استفاده از دیگر سلاح‌های غیر متعارف به مراتب هولناک‌تر است. بنابراین، اگر در لسان مبارک رسول خدا^ص کلمه سم آمده است، قطعاً عنوان سم موضوعیت ندارد، بلکه اشاره به هرگونه سلاحی است که سبب کشتار افراد بی‌گناه در خارج از مناطق جنگی شود، اعم از حیوانات و یا آسیب به محیط زیست. بر این مدعا می‌توان قرائن و شواهدی نیز اقامه کرد:

اولاً: اولویت قطعی، زیرا اگر استفاده از سم که به منطقه محدودی آسیب می‌رساند، حرام باشد، استفاده از سلاح شیمیایی به طریق اولی حرام است.

ثانیاً: در خود روایت نامی از آب و یا زمین و یا هوا برده نشده است، بلکه حضرت به صورت مطلق فرموده است: سم پاشیدن در سرزمین مشرکان ممنوع است. پس شامل ابزارهای مسموم کننده زمین، هوا، و... می‌شود.

ادلة مانعین

در برابر نظر منع، بیشتر متأخرین (چون صاحب شرایع و علامه در تحریر الاحکام و...) نظر دیگری دارند و آن این است که استفاده از سلاح توأم با سم جایز و البته مکروه است، این جواز هم به دو شکل می‌باشد: ۱. مطلقاً جایز است و مثل بقیه سلاح‌هاست. ۲. در صورت ضرورت جایز است.

مبنای نظر قبلی روایت بود، اما ظاهراً مبنای این نظر آیه و روایتی به عنوان مؤید است که در قرآن کریم استفاده از هرچه مصداق قدرت در برابر دشمن باشد جایز است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰). «ما»ی موصوله در این آیه دلالت بر عموم و شمول دارد و شامل استفاده از هرچه مصداق قوت در برابر دشمن است می‌شود.

مؤید دیدگاهشان روایت حفص بن غیاث است که:

كَتَبَ إِلَيَّ بَعْضُ إِخْوَانِي أَنْ أَسْأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ مَدِينَةٍ مِنْ مَدَائِنِ الْحَرْبِ هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُرْسَلَ عَلَيْهِمُ الْمَاءُ أَوْ يَحْرَقُوا بِالنِّيرانِ أَوْ يَزْمَوْا بِالْمَنْجَنِيقِ حَتَّى يَقْتُلُوا وَ فِيهِمُ النِّسَاءُ وَ الصَّبِيانُ وَ الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَ الْأَسَارَى مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ الشُّجَارُ فَقَالَ يُفْعَلُ ذَلِكَ بِهِمْ وَ لَا يَمْسُكُ عَنْهُمْ لِهَوْلَاءِ؛ شخصی از امام جعفر صادق × سؤال کرد: در یکی از شهرها جنگی رخ داده، آیا جایز است که مسیر رودخانه را به آنجا هدایت کنیم (یا کل شهر را آتش بزنیم) تا همه به قتل برسند، در حالی که در میان آن‌ها زنان و بچه‌ها و اسرا و سالخوردگان از مسلمین وجود دارد. امام فرمود: این کارها را می‌شود انجام داد.

حال سؤال این است: چرا این روش‌ها جایز است، اما القای سم جایز نباشد.

به نظر می‌رسد این گروه ظهور آیه را قوی‌تر از روایت می‌دانند یا به علت سند مورد مناقشه می‌دانند یا به علت دلالت می‌گویند نهی پیامبر^۱ کراهت است یا یک نهی موقت در شرایط خاصی بوده است. در بحث سندی و دلالتی، مناقشه در روایت جواب داده شده است. علاوه بر آن، شیخ طوسی قائل است: «ویجوز قتال الکفار بسائر انواع القتال الا القاء السم فی بلادهم فان ذلک مکروه» (طوسی، همان: ۳۱۳). مکروه در اینجا به معنای محذور و ممنوع است و استثنای از جواز است چون تعلیل همین را تأکید می‌کند نه کراهت اصطلاحی: «لان فیه هلاک من لایجوز الصبیان والنساء والمجانین».

باید توجه کرد که به هیچ وجه نمی‌توان جواز استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را ثابت کرد و در ارتباط با آیه مورد اشاره (وَ أَعِدُّوا لَهُمْ) هم باید گفت: در اصول فقه مقرر گردیده که هرگاه خداوند به انجام کاری فرمان دهد، لازم است که مقدمات و ابزار آن هم حلال باشد (علی‌دوست، ۱۳۹۲: ۱۷). در مورد حدیث هم باید گفت که فاقد سند معتبر است و علاوه بر آن نصوصی معتبر هم معارض آن است و از سوی برخی رجال شیعه نیز تضعیف شده است (طوسی در رجال و فهرست خویش و علامه حلی در رجال خود حفص بن غیاث را تضعیف کرده‌اند (تقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۴۰).

ج. نظر فقها درباره پاشیدن سم در مناطق جنگی و غیر جنگی

بر اساس همین روایت و مشابه آن در کلمات ائمه^۲، بسیاری از فقها پاشیدن سم در مناطق جنگی و غیر جنگی را حرام دانسته‌اند. به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود.

شیخ طوسی در کتاب (النهایه) که با عبارات آن معامله روایات می‌شود - زیرا بنای شیخ در این کتاب بر این بوده است که براساس متن روایات فتوا دهد و از این رو فقهای بعد از شیخ عین عبارت شیخ را متن فتوای خود قرار داده‌اند - می‌نویسد: «فانه لا یجوز أن یلقى فی بلادهم السم؛ همانا به تحقیق جایز نیست در مناطق کفار سم پاشیده شود» (طوسی، همان: ۱۷۷).

ابن زهره گفته است: «لا یجوز أن یلقى فی ديارهم القاء السم ولا یقاتل فی أشهر الحرام فی من یری لها حرمة من الکفار إلا أن یبدأوا فیها بالقتال».

در ذیل این نظر گفته شده ممکن است این سلسله روایات ناظر به غیرحرب باشد. شاهدش کلام ابن زهره در غنیه می باشد که گفته است:

يجوز قتال العدو بكل ما يرجى به الفتح من النار والمنجنیق وغيرهما و ان كان فيما بينهم المسلمون الا القاء السم، فانه لا يجوز ان يلقي في ديارهم (ابن زهره، ۱۴۱۲: ۲۱۲)؛ جایز است نبرد با دشمنان با هرچه امید پیروزی با آن می رود مانند آتش و منجنیق و امثال این دو، گرچه در میان آن ها مسلمانان هم باشند، جز پخش کردن سم در سرزمین آنها.

این کلام مطلق و نیز ناظر به غیرحرب است. فقهای دیگر نیز در ادامه همین مطلب را تأیید می کنند. اما برخی روایات وجود دارد که در وقت حمله دشمن استفاده از منجنیق و آتش را جایز می دانند.

شهید اول می فرماید: «و لا يجوز القاء السم على الأصح» (شهید اول، الدروس الشرعية في فقه الامامية ۱۴۱۲: ۲/۲۹۳). شهید ثانی در مسالک می فرماید: «القاء السم لوادى الى قتل نفسٍ مُحْتَرَمَةٍ حَرَامٌ لِذَلِكَ» (همان: ۲۹۴).

صاحب جواهر در ذیل کلام محقق حلی که فرموده است: «يحرم القاء السم»، قول به حرمت را به بسیاری از فقها از جمله شیخ در نهاییه و ابن زهره در غنیه و ابن ادریس در سرائر و علامه در مختصر النافع و تبصره و ارشاد و شهید اول در دروس و محقق ثانی در جامع المقاصد نسبت می دهد و آن را به این سخن نبوی مستند می کند. سپس می گوید ابن ادریس مستند منع و حرمت مسموم کردن بلاد را اختیار و نه تنها این خبر دانسته است. بعد از آن از عده ای علما از جمله علامه و شهید در لمعه و شهید ثانی نام می برد که براساس این روایت فتوا به کراهت داده اند، نه حرمت. ایشان در مقام بیان دلیل کراهت از سوی این فقها می فرماید: آنان سند این حدیث را به جهت وجود سکونی ضعیف دانسته اند (شهید ثانی، المسالک الافهام ۱۴۱۲: ۲/۲۹۳).

وی سپس در مقام اشکال بر این فقها می فرماید: روایت سکونی از نظر دانش رجال مورد قبول است و بر عمل طبق روایات سکونی اجماع وجود دارد. پس سند روایت تمام است. بنابراین، این فتوا به کراهت صحیح نیست بلکه باید فتوا به حرمت داده شود. این روایات با توجه به مواردی چون مثله نمودن ظهور در حرمت دارد و قرینه ای بر کراهت نیست. اما به نظر می رسد قاعده فنی در اینجا کراهت است، چون اگر دو دسته روایت بود یک دسته ظهور در حرمت داشت و یک دسته نص در جواز، در اینجا باید دست از ظهور در حرمت کشید و حمل بر کراهت نمود و این جمع عرفی است که تقدیم اظهر و یا نص بر ظاهر است که در اینجا کراهت بر حرمت تقدم دارد. نیز اگر نص ما در اینجا مجمل بود نمی توانست مقدم بشود، کما اینکه خاص نیز به سبب اینکه اظهر یا نص می باشد مقدم بر عام است و آنجا نیز خاص مجمل است به همین علت نمی تواند مقدم شود. در اینجا نیز روایاتی که دلالت بر نهی از مثله نمودن و... دارد، حمل بر معنای ظاهری (حرمت) شود که اظهر و نهی دال بر کراهت است در آن مقدم می شود.

سپس ایشان بحث دیگری را مطرح می کند مبنی بر اینکه عده ای از فقها فرموده اند مسموم کردن بلاد حرام است، در صورتی که موجب قتل غیر نظامیان گردد، و اگر تنها موجب نابودی دشمن در صحنه جنگ شود، حرام نیست، چون پیروزی بر آن متوقف است.

ایشان در مقام اشکال بر این نظریه و اثبات اینکه مسموم کردن بلاد برای کشتن دشمن جایز نیست، حتی اگر تنها راه پیروزی متوقف بر آن باشد می فرماید:

روایت اطلاق دارد و حتی در صورت توقف پیروزی بر مسموم کردن بلاد، دال بر حرمت است. بنابراین، کشتن دشمن حتی در صحنه جنگ، هر چند تنها راه پیروزی مسموم کردن منطقه جنگی باشد، جایز نیست. معلوم می شود

این نظریه صاحب جواهر، فقیه شیعی، به مراتب از قوانین بین المللی درباره منع ابزار کشتار جمعی پیشرفته تر است. بر اساس این روایات معتبر و فتوای فقهای گذشته و استفتا از مراجع معاصر، استفاده از ابزارهای جنگی غیر متعارف حرام است، چون مصداق مسموم کردن مناطق جنگی است.

د. منع به کارگیری سلاح‌های آتش‌زا در اسلام و ادله آن

از جمله مواردی که در روایات منع شده، استفاده از سلاح‌های آتش‌زا است. این‌گونه روایات نیز می‌تواند دلیل بر حرمت استفاده از ابزارهای غیر متعارف باشد، زیرا مصادیق این‌گونه سلاح‌ها در عصر رسول^ص و ائمه^ع بسیار ابتدایی بوده است، ولی مصداق آن در عصر حاضر پیشرفته است. بنابراین، روایت شامل هرگونه وسیله آتش‌زا می‌شود، هرچند توسط ابزار هسته‌ای باشد. به همان تقریبی که در مبحث پاشیدن سم گذشت.

راجع به منع استفاده از تسلیحات آتش‌زا در جنگ روایتی رسیده است:

«عبدالله بن مسعود عن ابيه قال قال رسول الله^ص: 'لَا تُعَذِّبُوا بِالنَّارِ لِأَيِّعَذَّبَ بِالنَّارِ إِلَّا رَبَّهَا'؛ از این روایت استفاده می‌شود که مسلمانان در مقام از بین بردن دشمن، مجاز نیستند که از هر وسیله‌ای استفاده کنند و روشن است سلاح‌های کشتار جمعی به مراتب شدیدتر از سوزاندن است. از این روایت می‌توانیم ضابطه‌ای را استفاده کنیم و آن اینکه در استفاده از وسایل جنگی باید از آلات متعارف استفاده نماییم و سلاح‌های کشتار جمعی (اتمی، میکروبی و هسته‌ای) عنوان متعارف ندارند. شایان ذکر است که این روایت معتبر بوده و از لحاظ سندی و دلالتی خدشه‌ای بر آن وارد نیست، زیرا روایت آن ثقه و مورد اطمینان هستند.

عبدالله بن مسعود، معروف به ابن مسعود، از یاران پیامبر^ص و پیشگامان نخستین بود بزرگانی مانند سید مرتضی در کتاب الشافی فی الامامة (۴/ ۲۸۳) به بزرگی از او یاد کرده‌اند و مرحوم آیت‌الله خویی در کتاب معجم الرجال فرموده: چون در اسناد کتاب کامل الزیارات آمده، می‌شود حکم به وثاقت او داد (خویی، معجم رجال حدیث: ۱۰/ ۳۲۲).

ه. نظر فقها در مورد سلاح‌های آتش‌زا

بسیاری از فقها براساس این‌گونه روایات تصریح کرده‌اند استفاده از سلاح‌های آتش‌زا در میدان جنگ حرام است. بی‌شک بخشی از سلاح‌های کشتار دسته‌جمعی نیز به نوعی آتش‌زا هستند و از این‌رو مشمول این نظریات فقهی خواهند بود. در ادامه دو قاعده در تأیید حرمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی ذکر می‌شود.

قاعده حرمت ترور

در عرصه جهانی تعریف یکسانی پیرامون تروریسم وجود ندارد و این مسئله بیشتر به جنبه سیاسی تروریسم برمی‌گردد تا جنبه حقوقی آن، حتی یکی از دلایل مخالفان عدم شمول تروریسم در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، عدم تعریف مشخص و واضح از تروریسم بود (قربان‌نیا، مواجهه با تروریسم: رویکرد نظامی، سیاسی یا حقوقی ۱۳۸۳: ۱۶۰)، زیرا در بسیاری از مواقع کسی که از نظر یک شخص تروریسم محسوب می‌شود در نگاه فرد دیگر یک مبارز راه آزادی است (صادقی، ۱۳۸۰: ۱۹۹). البته روشن است که به‌رغم فقدان تعریف همگانی از تروریسم، دورکن اصلی در همه برداشت‌ها از این مفهوم وجود دارد: هراس‌زایی یا تعمد در ایجاد ارباب عمومی و نیز بهره‌گیری از ابزارهای رعب‌آفرین (ساعد، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۶). هرچند ایجاد هراس و رعب در عموم همواره در تروریسم مدنظر است، ابزارهای آن بسته به نوع ترور متفاوت خواهد بود. در گذشته استفاده از ابزارهای آتشین و توأم با خونریزی همزاد با تروریسم بوده، اما در دوران معاصر سلاح‌های جدید کشتار جمعی، میکروبی و هسته‌ای با قدرت بالایی برای کشتن افراد به یمن علوم و دانش بشری ممکن شده است. بنابراین، ارکان اصلی تعریف تروریسم شامل کشتار است، اعم از اینکه توسط بمب‌های معمولی یا سلاح‌های کشتار جمعی باشد.

از جمله ادله‌ای که ممکن است بر حرمت استفاده از ابزار کشتار جمعی دلالت کند، روایاتی است که دلالت دارد ترور و کشتن افراد در غیر میدان جنگ حرام است.

واضح است استفاده از ابزار کشتار دسته جمعی نوعی ترور پیشرفته است و به تعداد افراد کشته شده، ترور صادق خواهد بود. بنابراین، همان ادله‌ای که بر حرمت ترور یک فرد دلالت دارد، بر حرمت استفاده از ابزارهای غیر متعارف نیز دلالت می‌کند.

روایات دال بر حرمت ترور متعدد است. از جمله نبوی معروف که رسول خدا^ص فرمود: «أَيَّمَانُ قَيْدِ الْفَتَكِ الْمُؤْمِنِ لَا يَفْتَكُ؛ ایمان، ترور را به زنجیر کشیده، مؤمن ترور نمی‌کند».

این روایت در منابع شیعه و سنی از جمله مقتل ابی مخنف، تاریخ طبری و تنزیه الأنبياء آمده است. نقل شده که حضرت علی^ع در جریان قتل پیامبر^ص توسط دشمنان و حضرت مسلم در جریان عیادت عیدالله در توجیه نکشتن آن‌ها به این روایت استناد کردند (طوسی، تهذیب: ۱/ ۲۱۴).

از حرمت ترور در اسلام نتیجه می‌گیریم استفاده از سلاح‌هایی که همانند سلاح‌های کشتار جمعی موجب شود انسان‌ها جانشان را با قتل کور از دست دهند، حرام است.

قاعده حرمت اعتداء

اعتداء عنوانی در فقه اسلامی و مشتمل بر احکام تکلیفی و وضعی است. از جمله این احکام، حرمت تکلیف تجاوز از حد در استفاده از ابزارهای غیر متعارف در جنگ است. از این رو، یکی از مصادیق بارز اعتداء قطعاً استفاده از ابزارهای کشتار جمعی است. بنابراین، بر اساس آیات و روایاتی که بر حرمت اعتداء در میدان جنگ با دشمن دلالت می‌کند، می‌توان به طور قطع و جزم فتوا به حرمت استفاده از ابزارهای کشتار جمعی داد. کما اینکه بسیاری از مفسران شیعه و سنی این مطلب را استفاده کرده‌اند.

آیاتی که بر منع اعتداء در استفاده از ابزارهای جنگی دلالت می‌کند فراوان است. در اینجا به یکی از آیات بسنده می‌شود.

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (بقره: ۱۹۰)؛ در راه خدا با کسانی

که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید. خداوند تعدی کنندگان را دوست ندارد.

این آیه را می‌توان از کلیدی‌ترین آیات راجع به حرمت استفاده از ابزارهای کشتار جمعی به حساب آورد، زیرا می‌توان چندین اصل و قاعده را درباره جنگ با دشمنان از آن استفاده کرد. از جمله:

الف. اصل تناسب در تسلیحات جنگی

با کسانی که نبرد می‌کنیم، نباید در مقام دفاع، بیش از اندازه دفاع اقدام کنیم. تجاوز به حق دشمن نیز ناصواب و نارواست جز آنچه به منظور پیشگیری از تجاوز است.

ب. اصل تفکیک میان دشمن جنگجو و غیر جنگجو

بر اساس این آیه، استفاده از هرگونه سلاح جنگی که مصداق تجاوز از حد باشد، حرام است. نیز کشتادن جنگ از منطقه جنگی به غیر آن که سبب آزار و اذیت شود، هرچند آزار حیوانات و محیط زیست باشد، حرام است. زیرا نهی در «لا تعتدوا» مطلق است و شامل هرگونه اعتداء حتی به محیط زیست می‌شود (حسینی، سلاح کشتار جمعی از دیدگاه اسلام ۱۳۹۰: ۱۲۷).

۱. نظرات فقها

الف. نظرات فقهای امامیه

فقهای شیعه بر اساس آیه اعتداء و روایات فراوان تصریح کرده‌اند، استفاده از ابزارهای جنگی موجب کشتار جمعی حرام است.

و لا يجوز قتال النساء فإن قاتلن المسلمین و عاون أزواجهن و رجالهن، أمسک عنهن. فإن اضطروا إلى قتلهن، جاز حينئذ قتلهن، و لم یکن به بأس (ابن البراج، ۱: ۱۴۰۶؛ حلی، ۱۴۰۳، ۲۰۳)؛ جایز نیست قتال زنان، اگر مضطر به قتل شود جایز است در این هنگام قتل زنان و اشکالی ندارد.

ب. نظرات فقهای عامه

فقهای اهل سنت همانند شیعه بر اساس آیات و روایات فتوا داده‌اند استفاده از ابزارهای کشتار جمعی و هرگونه عملی که موجب کشتادن جنگ به منطقه غیر نظامی باشد و موجب تعدی و تجاوز به غیر نظامیان و محیط زیست از قبیل حیوانات، مزارع و درختان و تخریب خانه‌ها گردد، حرام است. در اینجا به صورت مدون به این آیات و روایات دسته‌بندی شده اشاره می‌شود. فقها در آیات اختلافی ندارند ولی استدلال هر دسته از فقهای اهل سنت به روایات خاصی است.

۱. آیات

«و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰).

علمای اهل تسنن، همانند علمای شیعه، از عنوان اعتداء در این آیه حرمت استفاده از ابزار کشتار دسته‌جمعی را استفاده کرده‌اند. از باب نمونه، وهبه زحیلی، از متفکران اهل تسنن، در تفسیر المنیر در مقام بیان مصادیق اعتدای حرام می‌نویسد: آغاز به جنگ، کشتن افراد مسلم، جنگ با غیر نظامیان، همانند کودکان، زنان، پیران، تخریب خانه‌ها، قطع درختان، به آتش کشیدن زراعت‌ها همانند تعدی به این موارد، مورد کراهت و غضب خداوند است. به علت توضیح این آیه و سایر آیات در بخش نظرات فقهای شیعه دیگر به بحث در این باره نخواهیم پرداخت. ضمن اینکه علمای اهل سنت نیز علاوه بر آیات دلیل عقلی را نیز دلیل بر ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی می‌دانند که توضیح آن می‌آید:

۲. روایات

بسیاری از روایات فریقین نیز همانند آیه اعتداء بر حرمت کشتادن جنگ از صحنه جنگ به منطقه غیرنظامی و تعدی کردن به غیر نظامیان و محیط زیست دلالت می‌کند. حال فرقی نمی‌کند این کار با تسلیحات متعارف باشد یا غیر متعارف. اما روایات از طریق اهل سنت در این باره فراوان است. از باب نمونه به ذکر و شرح روایات فقهای حنفی، شافعی، حنبلی، مالکی و ظاهری اشاره می‌شود:

۱. فقهای حنفی لایقتلوا أعمی، و لا مقعداً، و لا مقطوع الیمین، و لا شیخاً فانیاً (موصلی الحنفی، الاختیار لتعلیل

المختار ۱۴۱۹: ۱۲۸/۴)؛ شخص دیوانه، زن، بچه، کور، و نشسته و مقطوع دست راست و افراد پیر و سالخورده را نکشید.

۲. و لا یقتلوا امرأة و لا صبیباً و لا شیخاً فانیاً و لا مقعداً و لا أعمی لأن المبیح للقتل عندنا هو الحراب و لا یتحقق

منهم، و لا هذا لا یقتل یابس الشق و المقطوع الیمنی و المقطوع یده و رجله من خلاف (شوکانی، فتح القدیر ۱۴۲۱:

۴۱۱/۱۲)؛ نکشید زن و بچه و افراد پیر و سالخورده و نشسته و کور را، زیرا آن کسی که مباح است قتلش در نزد ما

حراب (جنگجوی حمله‌ور) است و محقق نمی‌شود این امر از این افراد ذکر شده، و نیز کشته نشود مقطوع دست

راست و مقطوع دست پا از خلاف (یعنی دست راست و پای چپ یا قطع دست چپ و پای راست).

همان‌گونه که دیده می‌شود، در این روایات هرگونه عملی که موجب کشته شدن افراد غیر نظامی اعم از کودک، زن، پیر، نابینا، مجنون و.. شود ممنوع است. در عصر حاضر نیز اگر این کار با سلاح‌های پیشرفته انجام گیرد حرمت دارد. کما اینکه آیه اعتدا و بقیه روایات و نظرات بقیه فقها نیز مؤید این نظر است.

فقهای شافعی

۱. و لا يجوز قتل نساءهم و لا صبیانهم اذا لم یقاتلوا لما روی ابن عمر رضی الله عنه أن رسول الله ﷺ نهی عن

قتل النساء و الصبيان و لا يجوز قتل الخنثى المشكل، لانه يجوز أن يكون رجلاً و يجوز أن يكون امرأة فلم يقتل مع الشك (نوفري، بی تا: ۲۹۵/۱۹)؛ جایز نیست قتل زنان و بچه‌ها زمانی که مقاتله نکنند، به دلیل آنچه روایت شده از ابن عمر که رسول الله^ص نهی کرد از قتل زنان و بچه‌ها، و جایز نیست قتل خنثای مشکل، چون جایز است و می‌تواند مرد باشد و نیز جایز است زن باشد و در صورت شک کشته نمی‌شود.

۲. و یحرم علیه قتل صبی و مجنون و امرأة و خنثی مشکل. الشرح: (و یحرم علیه قتل صبی و مجنون) و من به رق (و امرأة و خنثی مشکل) للنهی عن قتل الصبيان و النساء فی الصحیحین، و الحق المجنون بالصبی، و الخنثی بالمرأة لاحتمال أنوثته (ابن ادریس، کتاب الأم ۱۴۰۳: ۲۵۲/۴ - ۲۵۳)؛ و حرام است قتل پیرزن و دیوانه و زن و خنثای مشکل: الشرح: (و حرام است بر شما کشتن بچه و دیوانه) و کسی که رقّ و عبد است (وزن و خنثای مشکل) به سبب نهی از کشتن بچه‌ها و زنان در دو صحیحه و حق این است که مجنون به بچه و خنثی به زن ملحق می‌شود به دلیل احتمال مؤنث بودنش.

طبق این روایات استفاده از هرگونه سلاح جنگی که هدفش از بین بردن زنان، صبیان، خنثای مشکل و... باشد حرمت دارد. پس استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی که متضمن کشتن غیر نظامیان بی‌گناه باشد ممنوع است.

فقهای حنبلی

۱. و لا تقتل امرأة و لا شیخ و بذلک قال مالک و أصحاب الرأی، و روی ذلك عن أبي بكر الصديق و مجاهد. و روی عن ابن عباس فی قوله تعالی (و لا تعتدوا) یقول لا تقتلوا النساء و الصبيان و الشيخ الكبير (ابن قدامه، الکافی فی فقه ابن حنبل: ۱۰/۵۴۴ - ۵۴۵)؛ زن و افراد پیر و سالخورده را نکشید. به این مطلب مالک و اصحاب رأی داده‌اند. کما اینکه از ابی‌بکر صدیق همین مطلب روایت شده و از ابن عباس نیز روایت شده است.

۲. (مسئله) و اذا ظفر بهم لم یقتل صبی و لا امرأة و لا راهب و لا شیخ فان و لا أعمی؛ زمانی که در جنگ غلبه بر دشمن پیدا کردید کودکان و پیران و زنان و فراری و اشخاص کور و نابینا را نکشید.

این روایات نیز با توجه به کلمه «ولا تعتدوا» و «لا تقتلوا» مثل آیه اعتداء مصادیق اعتداء (تجاوز از حد در میدان جنگ) را شامل کشتن زنان، پیران، صبیان می‌داند و همان‌گونه که ذکر شد، با توجه به حرمت تجاوز از حد در استفاده از ابزارهای غیرمتعارف در جنگ، یکی از مصادیق اعتداء قطعاً استفاده از این نوع سلاح‌هاست.

فقهای مالکی

۱. و لا یقتل النساء و لا الصبيان لما صح من نهیه علیه الصلاة و السلام عن قتلهم (آبی‌الزهری، الثمر الدانی: ۴۱۴)؛ نکشید زنان و بچه‌ها را به دلیل آنچه مورد نهی واقع شده از قتلشان.

۲. وهاهنا تفریعان الأول فی الكتاب لا یقتل النساء و لا الصبيان و لا المشایخ الکبار و لا الرهبان فی الصوامع و الدیارات و یترب لهم من أموالهم ما یعیشون به و نهی عن قتل العسیف و هو الأجير و فی مسلم نهی عن قتال النساء و الصبيان و فی النسائی لا تقتلوا ذریة و لا عسیفاً (القراخی، ۱۹۹۴: ۳/۳۹۷ - ۳۹۸)؛ و اینجا دو تا فرع وجود دارد: اول: در کتاب آمده است که زنان و بچه‌ها و افراد پیر و سالخورده و رهبان‌ها در صوامع و دیارات را نکشید و رها می‌شود آن اموالی که به درد معیشتشان می‌خورد، و نهی شده از کشتن عسیف و آن عبارت است از شخصی اجیر و در مسلم از کشتار زنان و بچه‌ها و در نسائی از قتل ذریه و اجیر نهی شده است.

با توجه به روایات، این فقها علاوه بر نهی از کشتن زنان، پیران، صبیان، نهی از قتل اجیر و رهبان را نیز به آن اضافه کرده‌اند و شبیه استدلال قبل را ذکر کرده‌اند.

فقهای ظاهری

مسئله - و لا یحل قتل نساءهم و لا قتل من لم یبلغ منهم الا ان یقاتل أحد ممن ذكرنا فلا یكون للمسلم منجا منه الا بقتله فله قتله حينئذ روينا من طريق البخاری نا أحمد بن یونس اللیث - هو ابن سعید - عن نافع ان ابن عمر أخبره (ان امرأة وجدت فی بعض مغازی النبی ' مقتولة فأنکر) رسول الله ' قتل النساء و الصبیان (ابن حزم، بی تا: ۷، ۲۹۶)؛ حلال نیست قتل زنان و کسی که به حد بلوغ نرسیده است، الا اینکه مقاتله کنند که در این هنگام به قتل می‌رسند.

در این روایات نیز همچون روایات قبل در میدان جنگ کشتن زنان و صبیان نابالغ حرام دانسته شده و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی که موجب قتل این افراد شود جایز نیست. بنابراین، فقهای اهل سنت، همانند فقهای شیعه، بر اساس آیات و روایات فتوا داده‌اند که استفاده از ابزارهای کشتار جمعی حرام است. در آیات استدلال شده اختلافی نیست و تنها در روایات مذاهب اهل سنت هر دسته به روایات خاصی استدلال کرده‌اند.

۴. دلیل عقلی

اگر هیچ سند شرعی بر ممنوعیت وسایل کشتار جمعی نداشته باشیم، عقل حکم به ممنوع بودن آن می‌کند، زیرا اقتضای درک عقل، در مسئله روشن است. عقل - همسو با مفاد نصوص شرعی - هرگونه ظلم، بی‌عدالتی و فساد را تقیح می‌کند. از اینجاست که ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی امری وجدانی و ندای فطرت انسانی است، زیرا این سلاح‌ها موجب ظلم به بشر است و عقل به ملاک ظلم آن‌ها را قبیح می‌داند.

به دو دسته ادله عقلی (مستقل و غیر مستقل) می‌توان در این بحث استناد کرد:

۱. ادله عقلی مستقل: عقل مستقل (فارغ از شرع) حکم به قبیح بودن این نوع سلاح‌ها می‌کند و آن را مستوجب عقاب می‌داند. بر این اساس، اگر نتوان ادعا نمود که عقل دلیل مستقلی در عرصه استنباط است، حداقل می‌توان به کمک قاعده ملازمه (مشکینی، ۱۳۷۷: ۳۸۰) (که بر اساس آن، اگر عقل حکم به چیزی نمود شرع هم حکم به مفاد آن می‌دهد) حکم شرعی استنباط کرد که حرمت استفاده از سلاح کشتار جمعی را شدت می‌بخشد.

۲. ادله عقلی غیر مستقل: بر اساس مبانی اخلاق جنگی، حقوق حیوانات و محیط زیست و... که مقدمه استدلال است و با مفروض گرفتن آن می‌توان به دلیل عقلی استناد کرد. عقل نیز بر اساس اولویت قطعی حکم می‌کند که اگر شارع آن مقدمات را خواستار است طبیعتاً حکم به حرمت سلاح کشتار جمعی خواهد داد، زیرا معنا ندارد شارع از یک طرف اموری چون حقوق حیوانات و محیط زیست، حق حیات بشری و... را به رسمیت بشناسد و از سوی دیگر استفاده از سلاح اتمی را که در تضاد با همه آن موارد است به رسمیت بشناسد و حکم به جواز استفاده از این گونه سلاح‌ها بدهد.

نتیجه

از مجموع مباحثی که تحت عنوان مقتضای اصل اولی و حرمت مسموم کردن مناطق مسکونی مشرکان و حرمت به کارگیری ابزارهای آتش‌زا و حرمت ترور و حرمت تجاوز از سلاح‌های متعارف در جنگ ارائه شد، به این نتیجه قطعی و مسلم می‌رسیم که استفاده از سلاح‌های غیر متعارف هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی، در انواع مختلف آن، از نظر تمام مذاهب فقهی اسلام، مذهب جعفری اثنا عشری، مالکی، حنفی، شافعی، حنبلی، و ظاهری حرام است.

علاوه بر استدلال به برخی آیات و روایات، از دیدگاه عقل نیز حتی در صورتی که دشمن دارای چنین سلاحی است و از آن هم استفاده بنماید، اسلام اجازه استفاده از چنین سلاحی را در جنگ نمی‌دهد. حتی در اسلام، فروش سلاح مخرب به دو دسته از کفار که با هم نزاع دارند مورد نهی واقع شده است.

به نظر می‌رسد اگر فقها قائل به منع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی شوند، اما طبق قواعد بین‌المللی استفاده از آن جایز باشد، این امر برای ما باعث نمی‌شود مقابل دین خود و ارزش‌های خدایی بایستیم؛ کما اینکه بر فرض فقیهی قائل به جواز باشد، باز هم در اینجا نمی‌توان مقابل وفای به عهد با دشمن بایستیم.

نتیجه اینکه چهرهٔ مهربان علمی اسلام به ویژه روح فقه و حقوق، حمایت از انسان و انسانیت است و این امر با جواز استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی نمی‌سازد.

- آبی ازهری، الثمر الدانی، بیروت، المكتبة الثقافية، بی تا.
- ابن ادريس شافعی، ابو عبدالله محمد، کتاب الأم، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳ق.
- ابن قدامه جمعه علی مقدسی، عبدالرحمن، الکافی فی فقه ابن حنبل، از سلسلة المصادر الفقهية، علی اصغر مروارید، دار التراب، بی تا.
- ابومخنف، مقتل الحسين، تحقیق شیخ محمد هادی یوسفی غروی، ترجمه علی کرمی، مؤسسه مطبوعاتی دارالکتب، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- احمد بن حنبل، مسند احمد، بیروت، دار صادر، بی تا.
- أحمدی میانجی، علی، الاسیر فی الاسلام، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، قم المقدسة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۱ق.
- بیهقی، احمد بن حسین، السنن الكبرى، بی جا، دارالفکر، بی تا.
- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، تحقیق و تصحیح: عبدالرحمن محمد عثمانی، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳ق.
- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، بیروت، المكتبة الاسلامی، بی تا.
- حر عاملی، محمد بن الحسن بن علی، تفصیل وسایل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم المقدسة، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، الطبعة الاولى، ۱۴۰۹ق.
- حسینی جرجانی، سید امیر ابو الفتوح، آیات الاحکام، تهران، انتشارات نوید، ۱۴۰۴ق.
- حسینی حصینی دمشقی الشافعی، تقی الدین ابی بکر بن محمد، کفاية الأخیار فی حل غاية الاختصار، تحقیق علی عبد الحمید بلطجی و محمد وهبی سلیمان، دمشق، دار الخیر، بی تا.
- حسینی، سید ابراهیم، سلاح کشتار جمعی از دیدگاه اسلام، مجله معرفت حقوقی، ش ۱، ۱۳۹۰.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم المقدسة، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، الطبعة الأولى، ۱۴۱۳ق.
- خوبی، سید ابوالقاسم، المنهاج الصالحین، قم المقدسة، نشر مدينة العلم، ۱۴۱۰ق.
- راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق.
- سرخسی، محمد بن احمد، السير الكبير، قاهره، مطابع شركة - الاعلانات شرقية، ۱۹۷۱.
- سید رضی، نهج البلاغه، بیروت، دارالاسوة، ۱۴۱۵ق.
- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، بیروت، المكتبة الثقافية، بی تا.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، دفتر نشر داد، ۱۳۶۲.
- شهید اول، محمد بن مکی عاملی، الدروس الشرعية فی فقه الامامية، قم المقدسة، مؤسسه نشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين، الطبعة الثانية، ۱۴۱۷ق.

شهيد ثانی، زيد الدين على بن احمد عاملي، المسالك الافهام، قم، شرايع الاسلام، مؤسسة المعارف الاسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

شوکانی، محمد، فتح القدير، بيروت، دار ابن حزم، ۱۴۲۱ق.

صدر، سيد محمد، ماوراء الفقه، المحقق، المصحح، جعفر هادي الدجيلي، بيروت، دار الاضواء للطباعة و النشر و التوزيع، الطبعة الأولى، ۱۴۲۰ق.

طباطبايي، علامه محمدحسين، تفسير الميزان، قم، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۳۷۴.

طنطاوي، سيد محمد، التفسير الوسيط للقرآن الكريم، بي جا، بي نا، بي تا.

طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، بيروت، دارالكتاب العربي، الطبعة الثانية، ۱۴۰۰ق.

علامه حلي، الارشاد الاذهان، قم، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجامعة المدرسين، ۱۴۱۱ق.

فاضل لنكراني، محمدجواد، توليد و استفاده از سلاح های كشتار جمعي، دو فصلنامه فقه و اجتهاد، قم، سال ۱ و ۵، ش اول، ۱۳۹۳.

فاضل مقداد، جمال الدين مقداد بن عبدالله، كنزالعرفان في فقه القرآن، تهران، مجمع جهاني تقريبات مذاهب اسلامي، ۱۴۱۹ق.

فيروزآبادي شيرازي، ابى اسحاق ابراهيم بن على بن يوسف، المذهب في فقه الامام الشافعي، بيروت، دار المعرفة للطباعة و النشر و التوزيع، الطبعة الاولى، ۱۴۲۴ق.

فيض كاشاني، محمد محسن ابن شاه مرتضى ابن شاه محمود، الوافي، محقق و مصحح: ضياء الدين حسيني اصفهاني، اصفهان، كتابخانه اميرالمؤمنين على *، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.

قاري، ملاعلي، شرح مسند ابى حنيفة، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۰۱۴ق.

قرايى، محسن، تفسير نور، تهران، مركز فرهنگى درس هاى از قرآن، ۱۳۸۳.

قربان نيا، ناصر، مواجهه با تروريسم: رويکرد نظامي، سياسى يا حقوقى، نامه مفيد، ش ۴۳، ۱۳۸۳.

قزويني، محمد بن يزيد، سنن ابن ماجه، تحقيق و ترميم و تعليق، محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، بي تا.

محقق حلي، جعفر بن محمد، شرائع الاسلام، تعليق و تحقيق عبدالحسين محمد على بقال، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

مقدس اردبيلي، احمد بن محمد، زبدة البيان في احكام القرآن، تهران، كتابفروشى مرتضوى، بي تا.

موصلى حنفى، الامام عبدالله بن محمود بن مودود، الاختيار لتعليق المختار، تعليق و تخريج: عبداللطيف محمد عبدالرحمن، بيروت، دارالكتب العلمية، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹ق.

مكارم شيرازي، همكاران، تفسير نمونه، تهران، دارالكتب الاسلامية، ۱۳۵۴.

نجفى، محمدحسن، جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام، الطبعة السابعة، بيروت، دار احياء تراث العربى، بي تا.

نورى طبرسى، ميرزا حسين، مستدرک الوسائل، بيروت، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق.

نیشابورى، حاکم كبير ابواحمد، معرفة علوم الحديث، ۱۹۸۰.

والتر، جونز، منطق روابط بين الملل، ترجمه داود حيدرى، تهران، دفتر مطالعات سياسى و بين المللى، ١٣٧٣.
كاشانى، ملا فتح الله، زبدة التفاسير، قم، بنياد معارف اسلامى، ١٤٢٣ق.
كلينى، ابوجعفر محمد بن يعقوب، الكافى، طهران، دارالكتب الاسلاميه، الطبعة الرابعة، ١٤٠٧ق.

Prohibiting the Use of Weapons of Mass Destruction from the Perspective of Islamic Jurisprudence*

Abstract

The use of weapons of mass destruction (WMD) in warfare is not new, and may be as old as warfare itself. It is a subject matter discussed both in jurisprudence and law. The present research seeks to prove the prohibition of the use of mass destruction from the perspective of various Islamic jurisprudential schools. A weapon of mass destruction is a nuclear, biological, or chemical weapon able to kill and bring significant harm to a large number of humans or cause great damage to human-made structures, natural structures or the biosphere. In this research, the writer, relying on Quranic verses and prophetic traditions, concludes from a rational perspective that even in Islam, the sale of destructive weapons to hostile and warring non-Muslim factions has been prohibited.

Past and present grand jurists believe in prohibition of the use of any kind of weapons of mass destruction and that Islam does not allow any kind of tit for tat action against infidels and enemies.

Keywords: weapons of mass destruction, Islamic jurisprudence, prohibition, banning, retaliation.

* Date of submission: 1/1/10 Date of acceptance: 11/3/10.

** Assistant professor, Faculty of Law, The University of Qom (r.akrami@qom.ac.ir).

*** PhD student, Judicial Jurisprudence and Law, and university lecturer (sattar1362@yahoo.com)

**** MA, Penal Law and Criminology, student of the postgraduate level of the Islamic Seminary of Qom (abdi.mahdi131@gmail.com)